



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۶ فروردین ۱۳۹۳

موضوع کلی: بررسی وثاقت بعضی روات مورد اختلاف

مصادف با: ۱۵ جمادی الثانی ۱۴۳۵

موضوع جزئی: ۳- سهل بن زیاد آدمی

جلسه: ۲۲

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در مورد سهل بن زیاد بود، عرض کردیم سه قول درباره سهل بن زیاد وجود دارد، ادله وثاقت سهل را بیان کردیم، بعضی از این ادله دچار اشکال بود اما بعضی از آنها هم قابل دفاع است. در مقابل وجوهی هم بر ضعف سهل بن زیاد اقامه شده که به آنها اشاره می‌کنیم.

ادله ضعف سهل بن زیاد:

دلیل اول: کلمات بزرگان علم رجال

عمده‌ترین دلیلی که بر ضعف سهل اقامه شده استناد به کلمات بزرگان علم رجال درباره اوست. نجاشی، شیخ، کشی، ابن غضائری و محقق حلی از جمله کسانی هستند که سهل بن زیاد را متهم به ضعف کرده‌اند.

۱- نجاشی درباره سهل می‌گوید: «کان ضعیفاً فی الحدیث غیر معتمداً علیه و کان احمد بن محمد بن عیسی الاشعری یشهد علیه بالغلو و الکذب»؛ سهل در حدیث ضعیف و غیر قابل اعتماد بوده و احمد بن محمد بن عیسی بر علیه او به کذب و غلو شهادت داده است. بعداً خواهیم گفت که احمد بن محمد بن عیسی سهل بن زیاد را از قم بیرون کرده و وجه آن هم این بوده که او را متهم به غلو کرده بود.

۲- شیخ طوسی هم در کتاب الفهرست درباره سهل می‌گوید: «انه ضعیف».^۱ همچنین در استبصار فرموده: «ضعیف فاسد المذهب».^۲

۳- کشی مطلبی را از فضل بن شاذان نقل می‌کند: «انه کان یقول فی ابی الخیر صالح بن سلمه حماد الرازی کما کُنّی و قال علی: کان ابو محمد الفضل یرتضیه و یمدحه و لایرتضی ابا سعید الآدمی و یقول: هو الاحمق».^۳ عدم ارتضاء از ابا سعید آدمی مشعر به تضعیف اوست.

۴- ابن ولید سهل را از روایات نوادر الحکمة استثناء کرده و بعضی از بزرگان هم از او تبعیت کرده‌اند و خود این استثناء دلیل بر ضعف قلمداد می‌شود، به هر حال اینکه ابن ولید سهل را از روایات این کتاب استثناء کرده و بعضی هم از جمله شیخ صدوق و ابن نوح از او تبعیت کرده و به این استثناء اشکال نکرده‌اند نشان دهنده این است که سهل را ضعیف

۱. رجال نجاشی، ج ۱، ص ۱۷۴.

۲. فهرست شیخ، ص ۱۰۶.

۳. الاستبصار، ج ۳، ص ۲۸، باب ما یجوز شهادة النساء فیه و ما لایجوز، حدیث ۹۰.

۴. رجال کشی، ج ۲، ص ۸۳۷.

می دانسته‌اند چون شیخ صدوق و ابن نوح در مورد استثناء برخی دیگر از روایت از طرف ابن ولید به او اشکال کرده‌اند؛ مثلاً افرادی مثل محمد بن عیسی به نظر شیخ صدوق و ابن نوح ضعیف نبوده اما ابن ولید آنها را استثناء کرده لذا به ابن ولید اشکال کرده‌اند که چرا محمد بن عیسی را استثناء کرده‌ای، اما در مورد استثناء سهل توسط ابن ولید هیچ اشکالی بر او نکرده‌اند. پس اصل استثناء سهل بن زیاد از طرف ابن ولید از روایات نوادر الحکمة و عدم اعتراض بعضی از بزرگان به این استثناء با اینکه دأب آنها این بوده که در مواردی که مخالف با نظر ابن ولید بوده‌اند اعتراض می‌کرده‌اند ولی در مورد استثناء سهل به ابن ولید اعتراض نکرده‌اند نشان دهنده این است که سهل بن زیاد ضعیف است.

۵- ابن غضائری درباره سهل می‌گوید: «ضعیفٌ جداً فاسد الروایة و قد اخرجہ احمد بن محمد بن عیسی الاشعری من قم و امر بالبرائة منه و عدم السماع و الروایة عنه»^۱.

۶- محقق حلّی هم درباره او گفته: «أنه ضعیف»^۲.

دلیل دوم: اخراج سهل بن زیاد از قم

احمد بن محمد بن عیسی الاشعری سهل بن زیاد را از قم اخراج کرد و وجه این اخراج چیزی غیر از ضعف سهل نبوده و به خاطر همین اجازه نداده‌اند کسی که ضعیف است در مقام نقل روایت قرار بگیرد لذا او را از قم اخراج کرده‌اند. بنابراین دو دلیل بر ضعف سهل بن زیاد اقامه شده که عمده دلیل، کلمات بزرگان علم رجال است.

حق در مسئله:

حال باید ببینیم آیا در مجموع با توجه به ادله‌ای که بر وثاقت سهل اقامه شده سهل بن زیاد آدمی ثقة است یا ضعیف؟ در اینکه بعضی از بزرگان علم رجال سهل بن زیاد را تضعیف کرده‌اند بحثی نیست اما یک نکته مهم اینجا وجود دارد و آن اینکه در مقابل این عباراتی که از بزرگان نقل شد عباراتی هم از آنها نقل شده که بر وثاقت سهل بن زیاد دلالت می‌کند؛ مثلاً شیخ طوسی که در اینجا سهل را ضعیف دانسته در کتاب رجال خود او را توثیق کرده و فرمود: «یُکنّی ابا سعید ثقة»^۳. حال در اینجا یک احتمال این است که بگوییم اینکه شیخ طوسی در کتاب فهرست سهل را متهم به ضعف کرده لکن در کتاب رجال او را ثقة دانسته شاید به خاطر این بوده که شیخ از نظری که در کتاب فهرست داشته عدول کرده، چون کتاب رجال شیخ زماناً متأخر از کتاب فهرست است.

اما در مورد آنچه ابن غضائری درباره سهل گفته عرض می‌کنیم به طور کلی به تضعیفات ابن غضائری اعتناء نمی‌شود کما اینکه قبلاً هم به این مطلب اشاره کرده‌ایم چون ابن غضائری به راحتی افراد را متهم به غلو و تضعیف می‌کرده لذا عمدتاً به تضعیفات ابن غضائری توجهی نمی‌شود.

کشی هم نگفته سهل بن زیاد ضعیف است بلکه فقط از فضل بن شاذان نقل کرده: «کان ابو محمد الفضل یرتضیه و یمدحه و لایرتضی ابا سعید الآدمی» و این عدم ارتضاء را دلیل بر ضعف دانسته اما حق این است که عدم ارتضاء ملازمه‌ای با ضعف ندارد. لذا این کلام نمی‌تواند دلیل محکمی بر ضعف سهل بن زیاد باشد.

۱. نکه النهایة، ص ۴۵۶.

اما اینکه ابن ولید سهل را از روایات نوادر الحکمة استثناء کرده و دیگران اعتراض نکرده‌اند هم نمی‌تواند دلیل بر ضعف باشد چون در مقابل می‌بینیم شیخ صدوق و کلینی به سهل اعتماد کرده‌اند، اینکه در مجموع کتب اربعه بالاتر از ۲۳۰۰ روایت از سهل نقل شده خود دال بر وثاقت اوست چون بعید است آنها کسی را ضعیف بدانند اما این همه روایت از او نقل کنند لذا با توجه به کثرت روایاتی که از سهل نقل شده عدم اعتراض به استثناء ابن ولید هم نمی‌تواند دلیل بر ضعف سهل بن زیاد باشد.

نجاشی درباره سهل گفته بود: «کان ضعیفاً فی الحدیث غیر معتمد علیہ و کان احمد بن محمد بن عیسی الاشعری یشهد علیہ بالغلو و الکذب»، خود نجاشی فقط گفته سهل بن زیاد در حدیث ضعیف بوده و غلو و کذب سهل را به احمد بن محمد بن عیسی نسبت داده است اما خوش شهادت بر کذب و غلو سهل نداده است.

نتیجه: بر فرض بگوییم تضعیفاتی که درباره سهل بن زیاد وارد شده درست است لکن چه بسا گفته شود منشأ تضعیف این بزرگان مسئله اخراج سهل از قم بوده، یعنی وقتی به ترجمه او نگاه کرده‌اند با اخراج او از قم مواجه شده‌اند و همین باعث شده او را تضعیف کنند، البته معلوم نیست دلیل اخراج سهل توسط احمد بن محمد بن عیسی از قم چه بوده؟ اگر دلیل اخراج او مسئله غلو باشد این قابل توجیه است چون بعضی از عقایدی که الآن جزء مسلمات دانسته می‌شود در گذشته غلو و اغراق محسوب می‌شده لذا قابل تحمل بوده و شخصی که این عقاید را داشته اخراج می‌کرده‌اند در حالی که غلو نبوده است، بله احمد بن محمد بن عیسی سهل بن زیاد را متهم به کذب هم کرده ولی وقتی مجموع مطالبی که درباره سهل بن زیاد بیان شده یعنی کثرت روایات سهل در کتب اربعه، کثرت روایات از او در فروع و اصول، روایت اجلاء از او و امثال آن را کنار هم می‌گذاریم به نظر می‌آید که به راحتی نتوان به ضعف سهل حکم کرد، چون بعید است اشخاصی مثل کلینی و شیخ صدوق که اهتمام ویژه‌ای نسبت به حفظ روایات داشته و ادعا می‌کنند روایات صحیح را از سقیم تفکیک کرده‌اند روایات کثیری را از سهل بن زیاد نقل کنند در حالی که اعتقادی به وثاقت او نداشته باشند، اگر ما روایات کتب اربعه را معتبر بدانیم تکلیف روایاتی که از طریق سهل بن زیاد نقل شده روشن است و شکی در اعتبار آنها نیست اما حتی اگر روایات کتب اربعه را هم بالجمله معتبر ندانیم و بگوییم در بین روایات کتب اربعه بعضاً روایات غیر صحیح هم وجود دارد باز هم بعید به نظر می‌رسد اشخاصی مثل کلینی و شیخ صدوق روایات کثیری را از سهل بن زیاد نقل کرده باشند در عین حال که قائل به وثاقت او نباشند.

لذا نه نظر کسانی که مدعی هستند سهل بن زیاد ضعیف است قابل قبول است و نه نظر کسانی که توقف کرده‌اند، چون جایی برای توقف نیست، وقتی ما مجموعه ادله دال بر وثاقت و ضعف سهل بن زیاد را می‌بینیم به نظر می‌رسد ادله دال بر وثاقت سهل قوی‌تر از ادله دال بر ضعف او باشد، چون عمده وجوه ضعف قابل جواب است و وجوه وثاقت هم اگر چه همه آنها تمام نیست اما فی الجمله بعضی از آنها قابل قبول است لذا به نظر ما روایاتی که از طریق سهل بن زیاد نقل شده قابل قبول است «والامر فی السهل سهل».

«والحمد لله رب العالمین»